

در حاشیه گرامیداشت هفته دفاع مقدس

گروه پژوهش فصلنامه

مقدمه

۳۱ شهریورماه هر سال در کشور به عنوان سالروز آغاز هفته دفاع مقدس مورد تجلیل قرار می گیرد. در سال ۱۳۵۹ در چنین روزی، رژیم بعث عراق جمهوری اسلامی ایران را هدف حمله گسترده و همه جانبه خود قرار داد. این جنگ خلاف تصورات اولیه ایران و عراق و تمامی ناظران و تحلیلگران، بیش از مدت زمانی که پیش بینی می شد، به طول انجامید. جنگ عراق علیه ایران افزون بر اینکه در زمان وقوع، تمامی تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور را متأثر کرد، آثار و پیامدهای عمیقی نیز در شکل گیری روند تحولات پس از آن داشته است. این جنگ موجب شد تا بیشتر معادلات و پیش بینیهایی مقدماتی در مورد انقلاب اسلامی و آینده آن تغییر کنند. از طرف دیگر، نباید از نظر دور داشت که هرگونه تجزیه و تحلیل در مورد چیستی و چگونگی این جنگ، بدون توجه به ماهیت و بازتابهای انقلاب اسلامی بی اعتبار است.

اکنون، که شانزده سال از پایان این جنگ می گذرد، این پرسش بیش از هر زمان دیگر خودنمایی می کند که اساساً با جنگ به عنوان یک پدیده چگونه باید برخورد کرد؟ به عبارتی، پس از جنگ، نحوه رویارویی با جنگ چگونه باید باشد؟ به ویژه اینکه مطالعه آثار و نوشته های تحلیلی موجود در مورد جنگ ایران و عراق بیانگر آن است که جملگی حول پرسش مهم و اساسی مزبور دور می زنند. البته، نگرانیها در مورد نحوه برخورد با جنگ از مناظر و دیدگاههای مختلفی بیان می شود، اما فصل مشترک دیدگاههای مزبور را می توان در این نکته خلاصه کرد که تاکنون، برخورد صحیحی با جنگ نشده و به رغم اینکه هشت سال از عمر انقلاب اسلامی

در این زمینه صرف شده، نه تنها کمترین بهره برداری از آن در راستای ساختن آینده کشور نشده، بلکه تلاشهای زیادی برای حذف دستاوردهای مثبت آن (خواسته یا ناخواسته) صورت گرفته است.

این در حالی است که انتظار می رود هر سال در طول زمان برگزاری گرامیداشت هفته دفاع مقدس فرماندهان، مفسران و منتقدان دیدگاهها و نظریات خود را در مورد ابعاد مختلف جنگ تحمیلی ارائه دهند، هر چند این توقع به دلیل برخورداری ناصواب تا حد زیادی دور از دسترس به نظر می رسد.

بررسی بازتابها و انعکاسهای شانزدهمین سال هفته دفاع مقدس و دیدگاهها و نظریاتی که در این مقطع زمانی بیان شده است، نشان می دهد که همچنان، فعالان و تحلیلگران عرصه جنگ ایران و عراق بر نگرانیهای پیشین در مورد برخورد با جنگ پس از آن، تأکید می کنند و از طرف دیگر، برخورد و رویارویی جدید با این پدیده را شاهدیم که بر نگرانیهای گذشته مبنی بر توجه به مسائل حاشیه ای به جای اصل جنگ افزوده است.

تأکید بر نگرانیهای پیشین

همان گونه که یادآوری شد، عمده ترین نگرانیهای مطرح شده طی سالهای گذشته و حال، حول موضوع نحوه برخورد با پدیده جنگ بوده و می باشد. بررسی این نگرانیها نشان می دهد که تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و حتی مدیریتی جنگ را در بر می گیرد. البته، دلیل این امر را باید در ارتباط منطقی جنگ با تحولات سیاسی و اجتماعی پس از آن یافت. جنگ هشت ساله ایران و عراق پدیده کلان

هر گونه تجزیه و تحلیل

در مورد چپستی و چگونگی جنگ تحمیلی،

بدون توجه به ماهیت و بازتاب‌های

انقلاب اسلامی بی اعتبار است

جنگ اشاره دارد. بدین معنی که قلمرو سیاسی جنگ، به دنبال تبیین پیوستگی جنگ و سیاست است و در تعیین سیاستهای دفاعی و امنیتی کشور می تواند نقش آفرینی کند.^۵

(۲) غفلت از جنبه عقلانی جنگ: تاکنون، رویکردهای حماسی و ارزشی نسبت به جنگ بیشتر مورد توجه بودند، این در حالی است که جنگ ذاتاً امری عقلانی است و بر مبنای محاسبات بسیار دقیق اتفاق افتاده است.^۶

(۳) تحریف واقعیت‌های جنگ: واقعیت آن است که در دوران پس از جنگ، مسائل و موضوعات فرعی به بحث در مورد جنگ می انجامند و مباحث و چالش‌های نظری بر سر اصل جنگ نیست.^۷ کارشناسان تحریف واقعیت‌های جنگ را معلول دو عامل اظهارات غیر شفاف و تناقض آمیز مسئولان سیاسی و نظامی دوران جنگ، و دیگری، نقدهای غیر منصفانه و ساختار شکنانه می دانند.

اکنون، پس از گذر از رویکرد ترویجی و توصیفی و نگرش ابزارری به جنگ و در آستانه ورود به مرحله بیان واقعیتها و توجه به عوامل مؤثر و تصمیم گیری در شرایط حساس آن دوران، نیاز جامعه به دقت نظر و واقع نمایی در بیان چپستی جنگ به شدت احساس می شود؛ زیرا، اکنون، به خوبی مشخص شده است که اظهارات غیر شفاف و متناقض مسئولان جنگ، تنها ابهام را در جامعه بیشتر و زمینه را برای دیدگاه‌های تحریف کننده و نفی و انکار آماده می کند.^۸

(۴) ناآشنایی نسل‌های پس از جنگ با جنگ: البته، در اینکه جنگ تا چه اندازه مسئله و نگرانی اصلی جوانان امروزی و به طور کلی، نسل پس از جنگ محسوب می شود، ابهام وجود دارد. با وجود این، نباید فراموش کرد که هر چند نسل جدید، که آن را با شماره ۳ می شناسیم، از نظر جوانی و کنجکاو بودنش

اجتماعی و سیاسی است که علل و نتایج فراوانی داشته است. در این میان، انقلاب اسلامی از مهم ترین علل و زمینه های جنگ است که جنگ بر آن تأثیر اساسی گذاشته است. طی جنگ، تمامی ابعاد نظامی در جامعه تحت تأثیر این پدیده قرار گرفت و فرهنگ، اقتصاد و سیاست کشور نیز به توابع جنگ تبدیل شدند؛ بنابراین، جنگ در واقعیت و عینیت سیاسی ایران موضوعی است که در اولویت قرار دارد.^۱

به طور کلی، طی شانزده سال گذشته، از نظر نحوه برخورد با جنگ با سه دوره روبه رو هستیم. دوره نخست، غفلت از جنگ و به فراموشی سپردن آن است که بلافاصله، پس از جنگ آغاز شد و تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت. دوره دوم، رجوع مجدد به جنگ است که در صدد احیای ارزشهای فرهنگی دفاع مقدس برآمد. دوره سوم که طی سالهای اخیر پدید آمده، دوره چالش گرفتن و بازخوانی مجدد تحولات سیاسی - نظامی جنگ است.^۲ گفتمان انتقادی رویکرد مهم دوره سوم است که در سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به اوج خود رسید. این رویکرد افزون بر اینکه اعتماد به نفس حاصل از مقوامتها، حماسه آفریننها و پیروزیهای جنگ را در جامعه مخدوش می کند، قدرت و آمادگی دفاعی کشور را در برابر تهدیدهای نظامی و امنیتی کاهش می دهد. این گفتمان با نقد شالوده شکنانه، تجربه های جنگ را با تمامی هزینه های آن برای یک ملت مخدوش خواهد کرد.^۳

بسیاری از تحلیلگران و فرماندهان واقع بین، معتقدند که جنگ و تجربه های دوران آن می تواند راه روشنی در برابر چالشها و تهدیدها برای حفظ استقلال و عزت ملت ایران باشد؛ چرا که این دوره به دلیل نوع مقاومت و ایستادگی که ملت ایران در برابر دشمن خارجی از خود نشان داد، در تاریخ معاصر کشور بی نظیر بوده است. شاید به همین دلیل است که آقای محسن رضایی، از فرماندهان ارشد زمان جنگ، پس از شانزده سال از پایان آن، کماکان با انتقاد از نوع رفتار با مقوله دفاع مقدس، می گوید: «در این، افتخاری ملی است که در مقابل دنیا ایستادیم، سرزمینهای خود را آزاد کردیم و اقتدار ملی را دوباره به کشور برگرداندیم، چه رفتاری با این دفاع مقدس داشته ایم؟»^۴

بنابراین، نگاهی اجمالی به مصاحبه ها، مقاله ها، سخنرانیها و آثار مکتوب دوران کنونی بیانگر این موضوع است که بالاخره، نحوه برخورد با جنگ پس از جنگ باید چگونگی باشد؛ عمده مسائلی که به عنوان نگرانی می توان از میان این آثار یافت، عبارت اند از:

(۱) استفاده نکردن از تجربه های جنگ برای مقابله با تهدیدها و چالشهای امنیتی: این نگرانی در حقیقت به بعد سیاسی

مایل است درباره آنچه بر سرزمینش گذشته، بیشتر بدانند، اما دو پرده ضخیم میان این گذشته پرافتخار و نسل سوم قرار گرفته است. نخستین مانع با مسئولان عرصه فرهنگی و آموزشی کشور ارتباط مستقیمی دارد. برای نمونه، این واقعیت تلخ و گزنده دیده می شود که بسیاری از نسل سومیهها، قهرمانان وطن خود را به اندازه قهرمانان تخیلی سینماهای خارجی یا حتی چهره ورزشی کشورهای دیگر نمی شناسند. دومین مانع، این واقعیت است که دوران دفاع مقدس و مسائل مربوط به آن در مقاطعی در گروه کشیهای حزبی و جناحی داخل کشور متجلی شده است.^۹

(۵) کم توجهی و بی مهری صاحبان علم و نشر: در مورد جنگ عراق و ایران در داخل کشور، تنها چند جلد کتاب توصیفی

طی شانزده سال گذشته، از نظر نحوه

برخورد با جنگ با سه دوره روبه رو هستیم:

دوره نخست؛ غفلت از جنگ، که بلافاصله

پس از جنگ آغاز و تا سال ۱۳۷۲ ادامه یافت؛

دوره دوم: رجوع مجدد به جنگ و احیای

مجدد ارزشهای فرهنگی دفاع مقدس؛

و دوره سوم: که دوره چالش گرفتن و

بازخوانی مجدد تحولات سیاسی - نظامی

جنگ است

همراه با برخی از جنبه های تحلیلی که بیشتر بعد عملیاتی دارد، منتشر شده است، اما تحقیقاتی با گرایش تحلیلی که به روش علمی مسئله را بررسی کنند، کمیاب است.^{۱۰}

(۶) تکرار پرسشهای اساسی جنگ: پرسشهای اساسی جنگ، بر چند محور مهم شامل اجتناب ناپذیری جنگ، علت تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، علت پذیرش قطعنامه در سال ۱۳۶۷ و دستاوردهای آن خلاصه می شود. تکرار این پرسشها به رغم تلاشهای صورت گرفته برای پاسخ به آنها این ذهنیت را ایجاد می کند که هنوز پاسخهای کافی و وافی به آنها داده نشده است. این در حالی است که این پرسشها همواره بر پایه ملاحظاتی سیاسی مطرح شده اند.^{۱۱} همین موضوع طی سالهای اخیر موجب شده است تا تحلیلگران و فعالان عرصه جنگ ایران و عراق به دنبال تبیین مسئله چگونگی برخورد با جنگ پس از جنگ باشند.

جنگ و تهدیدها

هم اکنون، امریکا و اسرائیل با حضور در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران، دامنه تهدیدهای خود را برای ایجاد بی ثباتی در داخل و اقدام احتمالی نظامی گسترش داده اند. در چنین شرایطی، چه باید کرد؟ این پرسشی است که بر زبان سردار رشید از فرماندهان عالی زمان جنگ و جانشین فعلی ستاد کل نیروهای مسلح جاری شده است. سردار رشید در حالی این پرسش را مطرح کرده که به مناسبت فرارسیدن شانزدهمین سال هفته دفاع مقدس، به موشکافی ابعاد و جوانب جنگ ایران و عراق و ضرورت برخورد صحیح با این موضوع و نیز استفاده از تجربه های آن دوران پرداخته است. وی در اظهارات خود، با اشاره به اینکه مفهوم جنگ در اذهان مردم و جامعه ایران پدیده ثابتی نبوده است، تأکید می کند که در جنگ هشت ساله این اصطلاح با مفاهیم آرمانی، شهادت، عزت و استقلال و بسیاری از مفاهیم ارزشمند و غرورآمیز توأم با سربلندی آمیخته است و تأکید بر پایداری و برقراری آن می تواند در برابر چالشها و تهدیدهای خارجی راهگشا باشد. سردار رشید در بخش دیگری از اظهارات خود، راهبرد دفاعی ایران در برابر تهدیدهای کنونی را بازدارندگی مؤثر معرفی و در توضیح آن می گوید: «تجربه جنگ با عراق نشان می دهد که تنها با قدرت می توان قدرت را به چالش گرفت و به بازدارندگی رسید.»^{۱۲}

آقای خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، نیز در مراسم رژه نیروهای مسلح مورخ ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۸۳، با اشاره به تهدیدهای غرب به بهانه مقابله با برنامه های هسته ای ایران، قدرت مندای ایران را عاملی برای تجاوز به دیگران ندانست و گفت: «ما برای دفاع از تمامیت ارضی خود باید قدرتمند شویم. بی تردید، قومی که قدرتمند نباشد حتی در صلح نیز ناموفق است...»^{۱۳}

رهبر انقلاب اسلامی ایران نیز در تاریخ ۲ مهر ماه سال ۱۳۸۳، طی پیامی به مناسبت تجلیل از شهیدان و ایثارگران انقلاب اسلامی و دوران دفاع مقدس بر این موضوع تأکید کردند که هیچ ملتی بدون فداکاری نخواهد توانست از هویت، عزت، ناموس ملی، ارزشها، باورها، و حقوق خود دفاع کند. گریز از عرصه هایی که زورگویان و مستکبران جهان بر ملت های آزاده تحمیل می کنند، سرانجامی جز تحقیر شدن و آنگاه گرفتار شدن در چنبره ستم و تجاوز آنان نخواهد داشت.^{۱۴}

بدین ترتیب، مشاهده می شود که در مقطع کنونی، بیشتر مسئولان نظام کوشیده اند تا به نحوی، میان جنگ هشت ساله با تهدیدهای کنونی کشور ارتباط تنگاتنگی برقرار کنند.

حاشیه به جای متن

با فاصله گرفتن از زمان جنگ ایران و عراق، این توقع وجود دارد که نقد و بررسی جنگ فارغ از ملاحظیات سیاسی و مسائل حاشیه‌ای بیش از پیش صورت گیرد. البته، این امر، به معنی نفی ارتباط مسئله جنگ با حیات سیاسی و اجتماعی ایران پس از جنگ نیست. شرایط سیاسی کشور طی شانزده سال گذشته، هیچ‌گاه این فرصت را در اختیار کارشناسان و تحلیلگران قرار نداده است تا نقد و بررسی جنگ را فارغ از ملاحظیات سیاسی پیگیری کنند. بیان واقعیت‌های جنگ به شدت تحت تأثیر مسائل حاشیه‌ای جامعه قرار گرفته و این وضعیت موجب شده است تا در هر مقطعی، یکی از رویکردهای زیر بر اصل موضوع جنگ سایه افکند:

(۱) رویکرد نفی و انکار،

(۲) بهره‌برداری از جنگ در راستای منافع گروهی و جناحی،

(۳) رویکرد غیر شفاف به واقعیت‌های جنگ و

(۴) جنگ به عنوان پشتوانه سیاست خارجی.^{۱۵}

در شانزدهمین سال گرامیداشت هفته دفاع مقدس نیز مشاهده شد که هنوز فضای سیاسی حاکم بر کشور به عنوان چالشی جدی بر سر راه نقد و بررسی مسئله جنگ و نحوه برخورد با آن نقش آفرینی می‌کند.

شانزدهمین سال هفته دفاع مقدس با حساس‌ترین شرایط سیاسی کشور در دو حوزه خارجی و داخلی مصادف شد. در این مقطع، کشور با جدی‌ترین تهدیدهای امنیت ملی در حوزه خارجی روبه‌رو شد که به زعم بسیاری از کارشناسان، این وضعیت پس از جنگ تحمیلی، بحرانی‌ترین شرایط را برای کشور پدید آورده است. از طرف دیگر، در سطح داخلی نیز تحولات سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای رخ داد که بارزترین آن‌را می‌توان در انتخابات شوراهای اسلامی شهر در سال ۱۳۸۱ و مجلس هفتم ۱۳۸۲ و نیز قرار گرفتن در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ مشاهده کرد. تلاقی تهدیدهای خارجی با تغییر و تحولات سیاسی - اجتماعی داخلی موجب شد تا برخی از فرماندهان دوران جنگ نیز نارضایتی خود را از شیوه مدیریتی کشور آشکار کنند و تنها راه برون رفت از شرایط پیچیده حاکم بر کشور را بازگشت به استفاده از تجربه‌های زمان جنگ و بهره‌گیری از توان مدیریتی فرماندهان و بازماندگان آن دوران معرفی کنند. سردار رشید در مصاحبه با روزنامه همشهری مورخ ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۸۳، در این مورد می‌گوید: «ملت ایران می‌داند شخصیت‌های برجسته و فرماندهانی که اکنون، در قید حیات هستند و در مسند امور کشوراند، در آن زمان، بار اصلی

جنگ را بر دوش داشتند و در هر کجا این مدیران توانمند چه در عرصه امنیت (نیروی انتظامی) و چه در عرصه دفاع (نیروهای مسلح) و عرصه‌های نهضتی و عمرانی و خدماتی (شهرداری) فرصت حضور پیدا کرده‌اند، لیاقت و کاردانی و کارآمدی خود را به اثبات رسانده‌اند. من فکر می‌کنم ملت ایران چنانچه سررشته امور را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی در بالاترین سطح در عرصه یک دولت به این مدیران توانمند بسپارد، توانایی حل معضلات را دارند...»^{۱۶}

اظهارات و مواضع مزبور هم‌زمان با هفته دفاع مقدس، واکنشها و بازتاب‌های مختلفی را به همراه داشت. برخی از سایتهای اینترنتی، خبرگزاریهای خارجی و رادیوهای بیگانه این اظهارات را تفسیر کردند. این رسانه‌ها در ارزیابیهای

گفتمان انتقادی درباره جنگ تحمیلی،

افزون بر اینکه اعتماد به نفس حاصل از

مقاومتها، حماسه‌آفرینیها و پیروزیهای

دروه جنگ را در جامعه مخدوش می‌کند،

قدرت و آمادگی دفاعی کشور را

در برابر تهدیدهای نظامی و امنیتی

کاهش می‌دهد

خود، بیشتر به معادله‌ای بر پایه دو محور قدرت و نظامیان (سپاهیان) توجه کرده‌اند که بخشی از آن بدین شرح است:

- سایت اینترنتی بی.بی.سی فارسی در تاریخ ۵ مهر ماه سال ۱۳۸۳، طی مقاله‌ای با نام شکست محاصره آبادان، اوج‌گیری قدرت سپاه به قلم مسعود بهنود می‌نویسد: «هفته گذشته یک فرمانده عالیرتبه سپاه در روزنامه همشهری از نشریات تابع محافظه‌کاران با اشاره به ناکارآمدی سیاستمدان در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از سپاه به عنوان تنها نیروی آماده برای مدیریت کشور یاد کرد که این سخن در محافل سیاسی به عنوان عطش فرماندهان سپاه برای دخالت در امور سیاسی تفسیر شد»^{۱۸}

- سایت اینترنتی بیکن نت نیز در تاریخ ۴ مهر ماه سال ۱۳۸۳، نوشت: «در واقع، آنچه سرلشکر غلامعلی رشید در این مصاحبه مطرح می‌کند و اساساً، روزنامه همشهری برای

طرح علنی همین دیدگاه با او مصاحبه کرده است، همان تفکری است که با شکستن قلم و بریدن زبان، خود را تا تشکیل مجلس فرمایشی هفتم و تدارک قبضه ریاست جمهوری جلو کشیده است... مصاحبه غلامعلی رشید را به عنوان اندیشه غالب در میان فرماندهان سپاه برای رهبری کشور باید خواند.^{۱۹}

-راديو فرانسه هم در تاريخ ۳ مهر ماه سال ۱۳۸۳، گزارشی را با حضور نیما راشدیان ارائه داد مبنی بر اینکه: «یک فرمانده عالی سپاه پاسداران در ایران می گوید اگر امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به اعضای سپاه سپرده شود، دو دهه ناکارآمدی پایان خواهد یافت».^{۲۰}

-راديو امريکا در تاريخ ۱۵ مهر ماه سال ۱۳۸۳، با گزارشی بانام، جایگاه سپاه در ساختار سیاسی ایران به نقل از علیرضا نوریزاده گفت: «کودتای سپاه به صورت تدریجی، در تمامی ارکان و ابعاد جامعه ظاهر شد».^{۲۱}

نتیجه گیری

به نظر می رسد مسئله جنگ و نحوه برخورد با آن و روشهای احیای ارزشهای دوران دفاع مقدس از مهم ترین و اساسی ترین مسائل پیش روی جامعه و مردم و اندیشمندان سیاسی، فرهنگی و نظامی کشور بوده و خواهد بود. این موضوع در شانزدهمین سال هفته دفاع مقدس نیز به خوبی قابل درک است. در این مقطع، افزون بر اینکه صاحب نظران، موضوع جنگ و ابعاد و دستاوردهای آن را به شکل درستی بررسی و مطرح نکردند، گره خوردن آن با مسائل سیاسی کشور شامل، تهدیدهای خارجی و نحوه مقابله با آن و تعاملات قدرت در سطح داخلی موجب شد تا حداقل تلاش صورت گرفته برای بهره گیری از دستاوردهای جنگ نیز با بازتابهای مناسبی روبه رو نشود. برای نمونه، مصاحبه سردار غلامعلی رشید، جانشین ستاد کل نیروهای مسلح، با روزنامه همشهری در تاریخ ۳۱ شهریور ماه سال ۱۳۸۳، از جمله تلاشهای این دوره بود که به محوری ترین موضوع مورد توجه رسانه ها تبدیل شد. همان گونه که قبلاً نیز آمد، این مصاحبه از نظر زمانی به دلیل مصادف شدن با برخی از تحولات سیاسی داخلی و خارجی کشور به شکل ویژه ای بازتاب یافت. اهداف و انگیزه های کاملاً مستدل و علمی مصاحبه شونده در مورد ماهیت، ابعاد، پیامدها و دستاوردهای جنگ در مصاحبه مزبور تحت تأثیر این فضا قرار گرفت و این پرسش اساسی را مطرح کرد که آیا می توان نسبتی میان واقعیتهای نهفته و اظهار شده در این مصاحبه با

بازتابهای آن قایل شد؟

بدین ترتیب، رویکردهای آمیخته با منازعات سیاسی نسبت به جنگ، به ویژه طی سالهای اخیر، موضوعی است که بیشتر کارشناسان، تحلیلگران و فرماندهان جنگ نگرانی خود را نسبت بدان اعلام کرده اند و خروج از این وضعیت را خواستار هستند. آیا این امر با توجه به پیوستگی و ارتباط جنگ با حیات سیاسی و اجتماعی جامعه در زمان وقوع و پس از آن امکان پذیر است؟

پادداشتها

۱. محمدباقر حشمت زاده، «گزارش درس مسائل جنگ عراق و ایران» فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۰.
۲. غلامعلی رشید، تجربه ماندگار، روزنامه همشهری، ۱۳۸۳/۶/۳۱.
۳. محمد درویدیان، پرسشهای اساسی جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، زمستان ۱۳۸۰.
۴. خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۸۳/۷/۶.
۵. غلامعلی رشید، همان.
۶. همان.
۷. شبکه اول سیما، برنامه پس از جنگ، ۱۳۸۳/۶/۲۴.
۸. حسین اردستانی، «تنوع رویکردها در مواجهه با جنگ» فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۵، سال ۱۳۸۲.
۹. روزنامه آفرینش، سرمقاله حماسه هشت ساله و نسل سوم، ۱۳۸۳/۷/۲.
۱۰. حسین اردستانی، جنگ عراق و ایران: رویارویی استراتژیها، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸.
۱۱. فتح الله جعفری، «بعد عقلانی دفاع مقدس»، روزنامه جوان، ۱۳۸۳/۶/۱۵.
۱۲. غلامعلی رشید، همان.
۱۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، تهران: ۱۳۸۳/۶/۳۱.
۱۴. روزنامه کار و کارگر، ۴ مهر ۱۳۸۳.
۱۵. حسین اردستانی، همان.
۱۶. غلامعلی رشید، همان.

17. www.bbc.co.uk/persian/Iran/story2004/9/26

18. www.peiknet.com/1383/page/06mehr

۱۹. ایرنا، ۱۳۸۳/۷/۳.

۲۰. ایرنا، ۱۳۸۳/۷/۱۵.